10.30497/IFR.2020.75400
Bi-quarterly Scientific Journal of Islamic Finance Researches, Research Article,
Vol. 10, No. 1 (Serial 19), Autumn 2020 & Winter 2021

The Role of Corporate Governance in Stakeholder Management in Islamic Banking

Mandana Taheri[*]
Yasin Amini[**]

Received: 01/09/2019
Accepted: 12/08/2020

Abstract

Corporate governance is aligning interests between managers and shareholders and reducing information asymmetry. Accordingly, four principles including fairness, transparency, accountability, and responsibility are representing corporate governance based on shareholder and protecting shareholder interests. Recently and based on Islamic research, the aim of corporate governance is respecting the rights of all stakeholders and taking care of maintaining equilibrium between shareholders and other stakeholders. According to the fact that Iranian banks operate on the basis of Islamic law, the level of establishment of corporate governance based on shareholders or stakeholders was considered in this paper. We use the questionnaire method and ANOVA test for analyzing the level of establishment of corporate governance based on shareholders or stakeholders in state banks, private banks and financial and credit institutions in Iran. The questionnaire in this paper was designed by studying the literature and the criteria and sub-criteria for model development in accordance with the Organization for Economic Cooperation and Development (OECD). The results show that private banks are in a better situation than state and financial and credit institutions in corporate governance. In other words, private banks implement corporate governance at stakeholder level while state banks and financial and credit institutions are at the shareholder level.

Keywords

Corporate Governance; Stakeholder Management; ANOVA Test.
JEL Classification: M14, G34.

[*] Assistant Professor, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabatabaee University, Tehran, Iran (Corresponding Author). mandanataheri@atu.ac.ir 0000-0001-7741-7208
[**] Ph.D. in Accounting, Faculty of Management, Tehran University, Tehran, Iran. yasin.amini@ut.ac.ir

10.30497/IFR.2020.75400

دو فصلنامه علمی «تحقیقات مالی اسلامی»، مقاله پژوهشی، سال دهم، شماره اول (پیاپی ۱۹)، پاییز و زمستان ۱۳۹۹، صص. ۱-۳۸

نقش حاکمیت شرکتی و رعایت حقوق ذی‌نفعان در بانکداری اسلامی

ماندانا طاهری *

یاسین امینی **

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۲۲

مقاله برای اصلاح به مدت ۳۴ روز نزد نویسنده(گان) بوده است.

چکیده

حاکمیت شرکتی همسویی منافع بین مدیران و سهامداران و کاهش عدم‌تقارن اطلاعاتی است. بر این اساس چهاراصل شامل انصاف، شفافیت، پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری معرف حاکمیت شرکتی مبتنی‌بر سهامداران و حفاظت از منافع سهامداران است. اخیراً و مبتنی‌بر متون اسلامی هدف حاکمیت شرکتی مبتنی‌بر رعایت حقوق تمامی ذی‌نفعان و رعایت اصولی توازن بین حقوق برابر سهامداران و سایر ذی‌نفعان مطرح است. بر این اساس و با توجه به آنکه بانک‌های ایران مبتنی‌بر شریعت اسلامی فعالیت می‌کنند، سطح استقرار حاکمیت شرکتی مبتنی‌بر سهامداران یا ذی‌نفعان در مقاله حاضر موردتوجه قرار گرفت و با استفاده از پرسشنامه و آزمون مقایسه میانگین چند جامعه سطح استقرار حاکمیت شرکتی مبتنی‌بر سهامداران یا ذی‌نفعان در گروه بانک‌های دولتی، بانک‌های خصوصی و مؤسسات مالی و اعتباری موردبررسی و تحلیل قرار گرفت. پرسشنامه‌های بررسی‌شده در مقاله با مطالعه ادبیات مسأله و منطبق با اصول حاکمیت شرکتی سازمان توسعه و همکاری اقتصادی طراحی و معیارها و زیر معیارهای تشکیل مدل به‌دست آمد. نتایج این بررسی حاکی از آن است که بانک‌های خصوصی در مقایسه با بانک‌های دولتی و مؤسسات مالی و اعتباری وضع مطلوب‌تری در پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی داشته و بانک‌های خصوصی در سطح ذی‌نفعان اصول حاکمیت شرکتی را پیاده نموده و این در حالی است که سطح پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی در بانک‌های دولتی و مؤسسات مالی و اعتباری در سطح سهامداران است.

واژگان کلیدی

حاکمیت شرکتی؛ رعایت حقوق ذی‌نفعان؛ آزمون مقایسه میانگین چند جامعه.

طبقه‌بندی JEL: G34, M14.

* استادیار دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

0000-0001-7741-7208 mandanataheri@atu.ac.ir

** دانش‌آموخته دکتری حسابداری دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران yasin.amini@ut.ac.ir

مقدمه

حاکمیت شرکتی سیستمی است که سازمان به‌وسیله آن کنترل و اداره می‌شود. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در سال ۱۹۹۹ میلادی حاکمیت شرکتی را تخصیص حقوق و مسئولیت‌پذیری در میان گروه‌های متفاوت در شرکت همچون هیأت مدیره، مدیران، سهامداران و سایر ذی‌نفعان معرفی کرده است. همچنین در سال ۲۰۰۴ سازمان همکاری و توسعه اقتصادی[1] اصول حاکمیت شرکتی را مبتنی‌بر مفاهیم رعایت حقوق ذی‌نفعان و رابطه مدیر با ذی‌نفع در شش حوزه شامل «تأمین مبنا برای چارچوب مؤثر حاکمیت شرکتی»، «حقوق سهامداران و کارکردهای اصلی مالکیتی»، «رفتار یکسان با ذی‌نفعان»، «نقش ذینفعان در حاکمیت شرکتی»، «افشاء و شفافیت و مسئولیت‌های هیأت مدیره»، «کنترل‌های داخلی، حسابرسی داخلی» و سایر موارد بیان نموده است. حاکمیت شرکتی را می‌توان رابطه مدیران با سهامداران دانست که مبنای نظری آن «تئوری نمایندگی» در شکل محدود خود است و یا آن را در نگرشی وسیع، رابطه شرکت با تمام ذی‌نفعان دید که پشتوانه نظری آن را می‌توان «تئوری ذی‌نفعان» دانست. سایر تعاریف و نگرش‌های موجود در خصوص حاکمیت شرکتی درون طیفی میان این دو دیدگاه قرار می‌گیرد (بدری، ۱۳۸۷، ص. ۵).

ویشنی و شلیفر [2] (۱۹۹۷) در پژوهشی با عنوان «بررسی حاکمیت شرکتی» بیان داشتند که حاکمیت شرکتی مؤثر از طریق یک چارچوب قانونی پیشرفته و بازار سرمایه فعال و یا از طریق مالکیت متمرکز ایجاد می‌شود. از سوی دیگر حاکمیت شرکتی اثربخش یک عامل بنیادی در فرآیند بازسازی اقتصادهای درحال‌توسعه است. این سیستم با تطبیق دادن و تنظیم کردن تضاد منافع و کاهش رفتارهای فرصت‌طلبانه و متقلبانه عملکرد شرکت‌ها را بهبود می‌بخشد، کیفیت اطلاعات موجود برای مشارکت‌کنندگان در بازار سرمایه ارتقا داده و دستیابی به سرمایه خارجی را تسهیل می‌کند[3] (Khanaghah, Sadeghi & Ghadakforoushan, 2019). به‌عبارتی هیأتی از مدیران، مسئولیت حاکمیت شرکتی را برعهده دارند و باتوجه به جدایی مالکیت از مدیریت و اهداف متفاوت آنها، مسأله تضاد منافع مطرح است.

بنابراین حاکمیت شرکتی به‌عنوان راهکاری برای ایجاد کنترل و برقراری توازن بین منافع مدیران و سهامداران، کاهش هزینه‌های نمایندگی، مقابله با سود و ایجاد ارزش برای شرکت‌ها تعریف می‌شود (سلیمانی و مقدسی،۱۳۹۳، ص. ۳). یکی از راه‌های کاهش مشکلات نمایندگی، پیاده‌سازی سازوکارهای مناسب حاکمیت شرکتی در واحد تجاری است. به‌عبارتی هزینه‌های نمایندگی سرآغاز شکل‌گیری حاکمیت شرکتی است و آن با حفظ تعادل در بین اهداف اجتماعی، اقتصادی، فردی و جمعی به استفاده کارآمد از منابع و پاسخ‌گویی سازمان‌ها کمک می‌کند. مهم‌ترین هدف حاکمیت شرکتی همسویی منافع بین مدیران و سهامداران و کاهش عدم‌تقارن اطلاعاتی است. پاسخ‌گویی، شفافیت و حمایت از حقوق ذی‌نفعان از نشانه‌های یک نظام حاکمیتی کارآمد است (مجتهدزاده و اثنی‌عشری، ۱۳۹۱، ص. ۴). هدف حاکمیت شرکتی رعایت اصولی است که توازن بین آزادی مدیریت، پاسخ‌گویی و حقوق ذی‌نفعان را برقرار نماید. علاوه‌بر آن یکی از زیرساخت‌های ضروری در سازمان برای بهبود فضای کسب‌وکار، شفافیت فعالیت‌های اقتصادی و پاسخ‌گویی مدیران در سازمان‌ها و واحدهای تجاری استقراریافته است.

بنابراین بررسی ارتباط بین استقرار حاکمیت شرکتی و نحوه رعایت حقوق ذی‌نفعان در آن از اهداف اصلی پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی در سازمان‌ها است که این مسأله و نحوه چگونگی استقرار و رابطه حاکمیت شرکتی و ذی‌نفعان در شبکه بانکی ایران در این مقاله موردتوجه قرارگرفته است. به‌عبارتی ایده این مقاله بر این اساس شکل‌گرفته است که حاکمیت شرکتی دارای طیفی از پاسخ‌گویی است که در یک‌سر آن پاسخ‌گویی منحصراً به سهامداران و در سر دیگر آن پاسخ‌گویی به ذی‌نفعان شامل گروه‌های متنوعی همچون اعتباردهندگان، کارمندان، مشتریان و جامعه قرار دارد که هرچه از سمت سهامداران به سمت ذی‌نفعان حرکت می‌کنیم، ابعاد پاسخ‌گویی و شفافیت سازمان، گروه‌های بیشتری را شامل می‌شود، اما سؤال مطرح آن است که استقرار حاکمیت شرکتی در شبکه بانکی ایران در کدام فاز (سهامداران یا ذی‌نفعان) قرار دارد؟ برای پاسخ به این سؤال پرسشنامه‌ای مبتنی‌بر اصول حاکمیت شرکتی با تأکید بر طیف آن بین ۱۵۰ نفر از مدیران بانکی در سطوح مختلف مدیریتی توزیع گردید. بررسی اولیه ۱۲۹ پرسشنامه قابل‌استفاده، نشان می‌دهد که با آلفای کرونباخ ۸۲ درصد پرسشنامه از اعتبار کافی برای آزمون برخوردار

است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی مبتنی‌بر سهامداران با حاکمیت شرکتی مبتنی‌بر ذی‌نفعان در سه گروه از بانک‌های دولتی، خصوصی و مؤسسات مالی و اعتباری متفاوت است و علاوه‌بر آن هر یک از ابعاد حاکمیت شرکتی شامل انصاف، شفافیت، پاسخ‌گویی، مسئولیت‌پذیری و مسئولیت‌های اجتماعی در گروه بانک‌های بررسی‌شده، به شیوه و در سطوح مختلفی پیاده‌سازی شده‌اند.

۱. حاکمیت شرکتی و رعایت حقوق ذی‌نفعان

تضاد منافع بین مدیران و صاحبان اصلی شرکت، عدم‌تقارن اطلاعات، امکان فرصت‌طلبی و بالابودن هزینه‌های نظارتی ازجمله عواملی هستند که لزوم ایجاد حاکمیت شرکتی را ایجاب می‌کنند و از سوی دیگر با رشد جریان خصوصی‌سازی، تفکیک مالکیت و افزایش سوءاستفاده‌های مالی، حاکمیت شرکتی اهمیت ویژه‌ای یافت (کاشف بهرامی، ۱۳۹۲، ص. ۱). به‌عبارتی پس از سقوط بورس سهام وال‌استریت در سال ۱۹۲۹ میلادی و وقوع بحران‌های مالی تعدادی از شرکت‌های بزرگ در سطح جهان از قبیل جنرال موتورز موردتوجه خاصی قرار گرفت و به‌تدریج کیفیت اداره امور و برقراری سیستم کنترل داخلی و حسابرسی داخلی با انتشار گزارش معروفی به نام کدبری[۴] در سال ۱۹۹۲ اهمیت یافت. متعاقباً به‌دلیل وقوع بحران‌های مالی دیگر در سایر نقاط جهان ازجمله بحران کشورهای آسیای شرقی و بحث جهانی‌شدن و الزام کشورها به متابعت از دستورالعمل‌های سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی و بانک جهانی و سایر نهادهای بین‌المللی و نیز افزایش آگاهی کشورها، نسبت به اهمیت استقرار حاکمیت شرکتی صحیح به‌منظور جذب اعتماد سرمایه‌گذاران و نقش آن در ارتقاء عملکرد اقتصادی کشورها، اولین دستورالعمل جهانی سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی در خصوص حاکمیت شرکتی در ماه می ۱۹۹۹ منتشر شد و تصویب قانونی به نام «ساربینز اکسلی[۵]» در سال ۲۰۰۲ به توسعه و رشد حاکمیت شرکتی در سطح بین‌المللی کمک کرد، به‌گونه‌ای که سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی درنهایت اصول حاکمیت شرکتی را در سال ۲۰۰۴ منتشر گردید.

حاکمیت شرکتی بیان می‌کند که چگونه سازمان اداره، هدایت و کنترل می‌شوند و معیارهایی را برای کنترل و هدایت مدیریت تعیین می‌نماید (کرمی و بیک بشرویه،۱۳۹۰، ص. ۱). در همین ارتباط کاراتاس و اپاتاریو[۶] (۲۰۱۴) بیان می‌کنند که حاکمیت شرکتی شامل مسئولیت اجتماعی، روش‌های کسب‌وکار اخلاقی، مسائل مربوط به پاسخ‌گویی به ذی‌نفعان و شفافیت کامل نتایج مالی است. همچنین سازوکاری برای نظارت بر عملیات سازمان می‌باشد که با کاهش مشکلات نمایندگی در قراردادها، منافع سهامداران را در برمی‌گیرد. در ابتدا حاکمیت شرکتی پدید آمده، مبتنی‌بر رویکرد متعارف حاکمیت شرکتی و براساس عاملیت-کارگزاری[۷] بین مدیران و سهامداران شکل گرفت. ویژگی اصلی این مدل آن بود که سهامداران، وظیفه مدیریت را به مدیران یا کارگزاران خود با فرض حل مسأله نمایندگی تفویض نمودند. به‌عبارتی حاکمیت شرکتی مبتنی‌بر سهامداران با سازوکار و توافقاتی در ارتباط است که از طریق آن منافع سهامداران با حل مسأله نمایندگی تأمین شود.

براساس نظر لیولان[۸] (۲۰۰۱) توافق حاکمیت شرکتی شامل ساختار حقوقی برای ایجاد قدرت سهامداران در رابطه با پاسخ‌گو بودن مدیران، شفافیت ساختارهای سازمان، اختیار قدرت مدیران عامل، توافق حسابرسی داخلی و تعیین مسیرهای پاسخ‌گویی مدیران است و مبتنی‌بر اصول آن ماهیت حاکمیت شرکتی مبتنی‌بر سهامداران توانایی ایجاد انگیزه‌هایی برای مدیران و در راستای فعالیت آنها باهدف حداکثرسازی ثروت سهامداران را دارد، اما با شکست‌های رخ‌داده و بحران‌های پیش‌آمده در بازارهای مالی طی سال‌های اخیر این سؤال مطرح است که حاکمیت شرکتی چگونه می‌تواند به‌طور مؤثر و مفید از منافع سهامداران حفاظت نماید؟ طی سال‌های اخیر برای پاسخ به این سؤال، مباحث مرتبط با رعایت حقوق ذی‌نفعان تحت‌عنوان حاکمیت شرکتی بر مبنای ذی‌نغعان ارائه شده است.

در حاکمیت شرکتی بر مبنای ذی‌نفعان، از حاکمیت شرکتی و استقرار آن در سازمان برای ایجاد رویه‌های بهتر و کدگذاری اصول مربوط به حاکمیت شرکتی، استفاده‌شده است و اتفاقاً براساس همین مفهوم سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه در سال ۲۰۰۴ میلادی تعریف جدیدی از حاکمیت شرکتی به‌عنوان «مجموعه‌ای از روابط مابین

مدیریت، هیأت مدیره شرکت و سهامداران و ذینفعان دیگر» ارائه کرده است و حاکمیت شرکتی را همچون ساختاری که از طریق آن، اهداف شرکت، مشخص و ابزارهای رسیدن به این اهداف و کنترل نمودن عملکرد نیز معین است، تبیین نموده است.

تایرول[۹] (۱۹۹۹) در پژوهشی با عنوان «قراردادهای ناقص: ما کجا ایستاده‌ایم» بیان می‌کند که لحاظ کردن ذینفعان دیگر در کنار سهامداران، امری ضروری است، زیرا تصمیمات مدیریتی نه‌تنها بر سرمایه‌گذاران، بلکه بر تعدادی از ذینفعان که به‌طور طبیعی رابطه‌ای لاینفک با سازمان دارند، اثرات جانبی دارد. این امر زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که معمولاً ذینفعان، به‌موجب اثرات جانبی تصمیمات، به‌طور نرمال تحت‌تأثیر قرار می‌گیرند. دونالدسون[۱۰] (۱۹۹۸) نوشته‌های مرتون[۱۱] را سرآغاز روش ذینفعان در دهه ۱۹۵۰ می‌داند. مؤسسه تحقیقات استنفورد[۱۲] نیز در سال ۱۹۶۳ ذینفع را به‌عنوان گروه‌هایی که بدون حمایت آنها سازمان موجودیت خارجی نخواهد داشت، تعریف نموده است. فهرست ذینفعان در این تعریف شامل سهامداران، کارمندان، مشتریان، تأمین‌کنندگان، وام‌دهندگان و جامعه است که در حال حاضر نیز مورد استناد و قابل‌استفاده است. طرفداران نگرش ذینفعان همچون داوکینز و لویس[۱۳] (۲۰۰۳) و مایگنان و فرل[۱۴] (۲۰۰۴) معتقد هستند که توجه به منافع، نیازها و حقوق چندگانه ذینفعان یک کسب‌وکار، روش مفیدی برای ایجاد سازوکار مسئولیت‌های اجتماعی در سازمان‌ها است.

حاکمیت شرکتی مبتنی‌بر ذینفعان، تعریف مسئولیت‌های کسب‌وکار را وسیع‌تر می‌کند. این عامل با پذیرش مسئولیت‌های یک شرکت که فراتر از رابطه مبتنی‌بر مدیریت و سهامدار است، نقش چندوجهی برای سازمان قائل می‌شود. در این دیدگاه، مدیریت خود را مسئول راضی نگه‌داشتن و برطرف کردن تقاضای منافع چندگانه ذینفعان می‌داند. به‌عبارتی مدیریت سازمان علاوه‌بر سهامداران، در قبال گروه‌های گوناگون که رابطه مالی مستقیم با آنها دارند از قبیل مصرف‌کنندگان، کارمندان، سهامداران و تأمین‌کنندگان، مسئولیت‌های اجتماعی دارند و هر میزان که طیف به سمت ذی‌نفعان تا سهامداران حرکت کند، دیدگاه بسیار وسیع از تعریف ذینفعان بسط داده می‌شود تا از این طریق جامعه گروه‌های ذینفع، کامل پوشش داده شود.

از سوی دیگر مبتنی‌بر شریعت اسلامی در مباحث مالی و بانکی بر مسأله استقرار حاکمیت شرکتی مبتنی‌بر ذی‌نفعان تأکید شده است. اقبال و میرآخور[۱۵] (۲۰۰۴) و اقبال و مولینکس[۱۶] (۲۰۰۶) ذینفع را مبتنی‌بر مفاهیم اسلامی فردی معرفی می‌کنند که حقوق دارایی‌های آنها به‌دلیل اعمال داوطلبانه و غیرداوطلبانه سازمان در معرض خطر است و سازمان علاوه‌بر حفاظت از حقوق سهامداران باید از حقوق افرادی که در فرآیند کسب درآمد برای سازمان مشارکت دارند و نیز از حقوق افرادی که به‌موجب فعالیت‌های سازمان برای کسب درآمد، در معرض خطر قرار دارند، محافظت نماید. همچنین آنها معتقدند که هر گروه یا فردی که شرکت با آنها تعهدات عقودی تلویحی و آشکار دارد، ذینفع سازمان محسوب می‌شود، حتی اگر عقد رسمی با آنها منعقد نکرده باشد. به‌عبارتی شریعت اسلامی تأکید یکسانی بر تعهدات ناشی از عقود آشکار و تلویحی دارد. بنابراین سازمان‌های مالی و غیرمالی مبتنی‌بر شریعت اسلامی ملزم هستند که از طریق قبول و محافظت از حقوق دارایی همه ذینفعان مرتبط (مشتریان، مصرف‌کنندگان، تأمین‌کنندگان، کارکنان و جامعه)، جایگاه عقود آشکار و تلویحی را تحت مفروضات حاکمیت شرکتی مبتنی‌بر ذی‌نفعان حفظ نمایند.

در یک نگاه کلی حاکمیت شرکتی، شامل ترتیبات حقوقی، فرهنگی و نهادی می‌شود که سمت‌وسوی حرکت و عملکرد سازمان را تعیین می‌کند. عناصری که در این صحنه حضور دارند، عبارتند از سهامداران و ساختار مالکیت آنها، اعضای هیأت مدیره، مدیریت شرکت که توسط مدیرعامل یا مدیر ارشد اجرایی هدایت می‌شود و سایر ذی‌نفعان که امکان اثرگذاری بر حرکت شرکت را دارند. مؤسسه پایداری و مسئولیت اجتماعی شرکتی[۱۷] به‌عنوان یکی از مراجع اصلی حاکمیت شرکتی، اصول حاکمیت شرکتی را شامل انصاف، شفافیت، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری معرفی کرده است که انصاف به برخورد یکسان و با عدالت با تمام سهامداران اشاره دارد. شفافیت بر ارائه اطلاعات و در دسترس بودن آن برای استفاده‌کنندگان از اطلاعات می‌پردازد. مسئولیت‌پذیری شامل کمیت و کیفیت مسئولیت و تفویض اختیارات است و درنهایت، پاسخ‌گویی بر هرگونه پذیرش و اختیار مسئولیت همراه با پاسخ‌گویی اشاره دارد. بر این اساس و با استفاده از اصول

حاکمیت شرکتی سازمان توسعه و همکاری اقتصادی، در این پژوهش، به طراحی مدل حاکمیت شرکتی باهدف رعایت حقوق ذی‌نفعان پرداخته‌شده است.

۲. پیشینه پژوهش

تحقیقات مختلفی در رابطه با ارزیابی حاکمیت شرکتی و جایگاه آن در سازمان‌ها در کشورهای مختلف و در سطح ملی و بین‌المللی انجام‌شده است.

قلیچ (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «جایگاه و ابزارهای حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری اسلامی»، وظیفه حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری را ارائه سازوکاری معرفی می‌نماید که از کلیه حقوق ذینفعان این حوزه دفاع نماید. در این مقاله به‌دلیل دارا بودن محرک‌هایی چون رقابت‌پذیری، قوانین و مقررات خاص در بانکداری اسلامی، الزام افراد به رعایت اخلاق اسلامی و شرایط اخلاق‌مدارانه در محیط اجتماعی- سیاسی جامعه اسلامی، دارای ظرفیت بالایی در اجرای اصول حاکمیت شرکتی معرفی‌شده است و تحت آن کلیه نقش‌ها و مسئولیت‌های خاص بازیگران اصلی همچون هیأت مدیره، مدیران ارشد و بخصوص سهامداران و سپرده‌گذاران به‌منظور اجرای مؤثر حاکمیت شرکتی در بانک لحاظ شده است.

حساس‌یگانه و برزگر (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «مبانی نظری مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و پارادایم تحقیقاتی آن در حرفه حسابداری»، به بررسی راهبری شرکتی، مسئولیت اجتماعی شرکتی و نظریه‌های حسابداری پرداختند. آنها بیان کردند که رهبران شرکت‌ها با وظیفه‌ای پویا و چالش‌برانگیز در زمینه استانداردهای اخلاقی اجتماعی باهدف عملیات تجاری مسئولانه مواجه هستند. آنها در این مقاله به بررسی مبانی نظری مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و پارادایم تحقیقاتی آن در حرفه حسابداری پرداختند. همچنین بیان کردند که شرکت‌ها، واکنش‌های مختلفی در جهت پاسخ‌گویی به تقاضاهای جدید دارند، به‌گونه‌ای که برخی شرکت‌ها فرهنگ‌سازمانی و حاکمیتی خود را تغییر داده و در نظر گرفتن مسئولیت اجتماعی، شرکت‌ها را به‌عنوان هسته اصلی فعالیت‌های تجاری پذیرفته است. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که ارتباط مثبت بین تلاش‌های مسئولیت

اجتماعی شرکت‌ها و عملکرد مالی به‌عنوان یک پارادایم جدید در مطالعات مسئولیت اجتماعی در شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی وجود دارد.

مران‌جوری و علی‌خانی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «افشای مسئولیت‌های اجتماعی و راهبری شرکتی»، به بررسی رابطه بین سطح افشای اطلاعات زیست‌محیطی و اجتماعی با دو سازوکار راهبری شرکتی (سرمایه‌گذاران نهادی و مدیران غیرموظف) در شرکت‌های ایرانی پرداخته‌اند. برای اندازه‌گیری سطح مسئولیت اجتماعی از روش تحلیل محتوا استفاده‌شده است. نمونه آماری این پژوهش شامل ۶۶ شرکت فعال در صنایع مختلف طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ است. نتایج این پژوهش نشان داد که بین اندازه شرکت با سطح افشای اطلاعات زیست‌محیطی و اجتماعی رابطه معنی‌دار و مثبتی وجود دارد، اما بین سطح افشای اطلاعات زیست‌محیطی و اجتماعی و سرمایه‌گذاران نهادی و مدیران غیرموظف رابطه معنی‌داری مشاهده نشد.

بهارمقدم، صادقی و صفرزاده (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی رابطه مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها»، به بررسی رابطه حاکمیت شرکتی بر افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها پرداختند. هدف از این بررسی آن بود که با فرض وجود قرارداد اجتماعی بین شرکت‌ها و جامعه‌ای که شرکت‌ها در آن فعالیت می‌کنند، انتظار می‌رود ایفای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها با حاکمیت شرکتی که مجموعه‌ای از قواعد ناظر بر هدایت، کنترل و نظارت شرکت‌ها می‌باشد، بهبود یابد. نتایج این بررسی نشان داد که حاکمیت شرکتی ازجمله تمرکز مالکان، درصد اعضای غیرموظف هیأت مدیره و اندازه حسابرس با سطح افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها رابطه معنادار وجود دارد.

بهادوری و سلارکا[۱۸] (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «حاکمیت شرکتی و مسئولیت اجتماعی شرکت‌های هندی» به بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر مسئولیت اجتماعی پرداختند. نتایج این بررسی نشان داد که شرکت‌های بزرگ‌تر، با قدمت بیشتر و شرکت‌هایی که بین سهامداران سود تقسیم می‌کنند، تمایل بیشتری به سرمایه‌گذاری در پروژه‌های مسئولیت اجتماعی دارند. همچنین رابطه مثبت و معناداری بین نسبت سهامداران نهادی و مسئولیت اجتماعی وجود دارد.

رازک[19] (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «ارتباط بین مسئولیت‌های اجتماعی و حاکمیت شرکتی: بررسی شواهد کشور مصر» به بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و مسئولیت اجتماعی در شرکت‌های مصری پرداخت. نتایج پژوهشی نشان داد که کیفیت حسابرسی داخلی،کمیته حسابرسی، دوگانگی وظیفه مدیرعامل و ساختار مالکیت بر مسئولیت اجتماعی تأثیرگذار است.

اوه، چانگ و مارتینو[20] (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان «اثر ساختار مالکیت بر مسئولیت‌های اجتماعی: شواهدی از کشور کره» به بررسی حاکمیت شرکتی و مسئولیت اجتماعی پرداختند. تفسیر و نتایج این بررسی رابطه مثبت و معنی‌دار بین حاکمیت شرکتی و مسئولیت اجتماعی را اثبات کرد. نتایج نشان داد که بازارهایی که استقرار حاکمیت شرکتی در شرکت‌های آن قوی و مطلوب است، عملکرد مسئولیت اجتماعی بهتری دارند. همچنین حاکمیت خوب نیز به عملکرد مسئولیت اجتماعی خوب منتهی می‌گردد.

ارشد و رازک (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان «افشا مسئولیت‌های اجتماعی و اثر آن بر ساختار مالکیت و عملکرد شرکت‌ها» به بررسی عملکرد اجتماعی شرکت، ساختار مالکیت و حاکمیت شرکتی پرداخت. شواهد تجربی نشان می‌دهد که مالکیت متمرکز یک اثر منفی بر عملکرد اجتماعی دارد. سهامدار اصلی میلی به صرف پول در مسئولیت اجتماعی شرکت که می‌تواند به تمامی ذینفعان سود برساند، ندارد. در مقابل، مالکیت پراکنده عملکرد اجتماعی را تقویت می‌نماید که نشان‌دهنده تعهد شدید مدیران به مسئولیت اجتماعی شرکت می‌باشد. این امر به آنها اجازه می‌دهد تا تعارضات میان سهامداران و ذینفعان را حل نمایند.

بلک، جنگ و کیم[21] (۲۰۰۶) در پژوهشی با عنوان «آیا حاکمیت شرکتی، ارزش شرکت را پیش‌بینی می‌کند؟» در بررسی وضعیت استقرار مطلوب حاکمیت شرکتی در کره جنوبی نشان دادند که حقوق سهامداران، هیأت مدیره، مدیران بیرونی، کمیته حسابرسی و حسابرسان داخلی، افشاء به سرمایه‌گذاران و پراکندگی مالکیت ازجمله مؤلفه‌های مؤثر در ارزیابی وضعیت حاکمیت شرکتی در کره جنوبی است.

تحقیقات مختلف شاخص‌های حاکمیت شرکتی یا مؤلفه‌های ارزیابی سطح استقرار حاکمیت شرکتی در سازمان را بین ۲ تا ۱۰۰ معیار شناسایی نموده که تعداد و بررسی هر

تعداد مؤلفه به بستر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر کشور بستگی دارد (نمازی و ابراهیمی، ۱۳۹۲، ص. ۱۹). در همین ارتباط آلبرا[۲۲] (۲۰۰۸) ارزیابی حاکمیت شرکتی و تبیین سطوح مقرراتی آن را در تحقیقی از بعد مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی در سازمان و از منظر مسئولیت‌های اجتماعی و تنظیم مقررات داخلی یا مقررات جامع موردتوجه قرار داده و الزامات مقرراتی برای پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی مطلوب براساس مسئولیت‌های اجتماعی را بررسی نموده است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که چارچوب جدید مسئولیت‌های اجتماعی و مقررات محیطی منجربه مدیریت مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی مدیران و بهبود سازوکار حاکمیت شرکتی در سازمان می‌شود.

نکته قابل‌توجه آن است که عمده این تحقیقات بدون‌لحاظ نمودن مسأله مسئولیت‌های اجتماعی و از بعد ذی‌نفعان به ارزیابی حاکمیت شرکتی در سازمان پرداخته‌اند. به‌عبارتی مؤلفه‌ها و معیارهای ارزیابی عمدتاً حول محور تئوری نمایندگی و رابطه سازمان با سهامداران و ارزیابی استقرار مطلوب حاکمیت شرکتی از منظر این عوامل موردتوجه قرارگرفته است، اما با ورود مقررات اسلامی و مسأله تئوری ذی‌نفعان ابعاد مطلوبیت استقرار حاکمیت شرکتی گسترده گردید و مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی گروه‌های بیشتری را شامل می‌شود. در همین ارتباط سلیمان و جوریه[۲۳] (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان «رابطه بین تئوری نمایندگی، تئوری ذی‌نفعان و نظارت شریعت در بانکداری اسلامی»، به طرح مسائل و تفاوت‌های بین تئوری نمایندگی و تئوری ذی‌نفعان پرداختند. نتایج پژوهشی نشان می‌دهد که بین این دو تئوری در استقرار و تعریف مطلوبیت پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی تفاوت‌های اساسی وجود دارد. یکی از معیارهای بررسی این تفاوت نگاهی است که تئوری ذی‌نفعان به بعد مسئولیت‌های اجتماعی و پیاده‌سازی آن برای استقرار حاکمیت شرکتی مطلوب دارد.

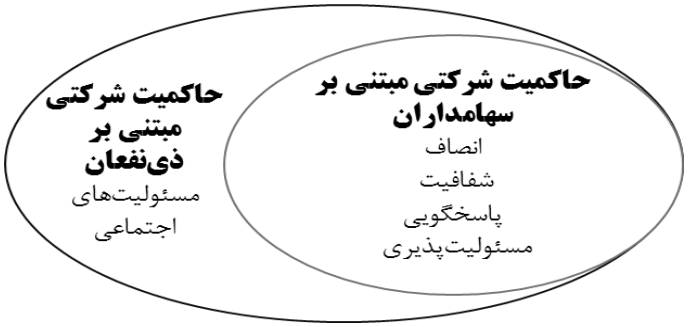
۳. ساخت و طراحی مدل

مسأله باید به‌طور روشنی به یک سیستم منطقی مثل یک شبکه تبدیل شود. این ساختار شبکه را می‌توان از طریق طوفان مغزی، روش دلفی یا هر روش موجه‌ای به‌دست آورد.

در مقاله حاضر ساختار مبتنی‌بر مطالعه ادبیات پژوهشی پیرامون موضوع و بر مبنای اصول حاکمیت شرکتی شکل‌گرفته است. در این مرحله مسأله موردنظر به یک ساختار شبکه‌ای که در آن گره‌ها به‌عنوان خوشه‌ها مطرح هستند تبدیل می‌شود. عناصر یک خوشه ممکن است با یک یا تمامی عناصر خوشه‌های دیگر ارتباط داشته باشد (تحت‌تأثیر یا اثرگذار باشد). همچنین در این مقاله با مطالعه ادبیات مسأله معیارها و زیر معیارهای تشکیل مدل به‌دست‌آمده است. ادبیات بررسی‌شده در این پژوهش به‌منظور استخراج مدل پژوهش شامل اصول حاکمیت شرکتی سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی (شامل ۶ اصل)، دستورالعمل الزامات ناظر بر حاکمیت شرکتی در مؤسسات اعتباری منتشره توسط بانک مرکزی ایران (شامل ۱۴ فصل) و رهنمودهای اصول حاکمیت شرکتی کمیته بال ترجمه و منتشره توسط بانک مرکزی ایران (شامل ۱۳ اصل)، است. بررسی محققین نشان داد دستورالعمل بانک مرکزی مستخرج از رهنمودهای اصول حاکمیت شرکتی کمیته بال است که منطبق با شرایط ایران تعدیلاتی در آن اعمال‌شده است. بنابراین، برای تبیین مدل نهایی از دو گزارش شامل اصول حاکمیت شرکتی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی و دستورالعمل الزامات ناظر بر حاکمیت شرکتی در مؤسسات اعتباری بانک مرکزی ایران، استفاده شد.

اصول و فصول مندرج در این دو گزارش باهدف استخراج مدل مرتبط با موضوع پژوهش بررسی و درنهایت ۴ معیار اصلی شامل انصاف (اصل اول و فصل ۹ و ۱۵)، شفافیت (اصل پنجم و فصل ۱۶)، پاسخ‌گویی (اصل دوم و فصل ۶، ۷ و ۱۴) و مسئولیت‌پذیری (اصل ششم و فصل ۲، ۳، ۴ و ۵) برای سنجش حاکمیت شرکتی مبتنی‌بر رعایت حقوق سهامداران و مسئولیت‌پذیری اجتماعی (اصل چهارم) برای سنجش حاکمیت شرکتی مبتنی‌بر رعایت حقوق ذی‌نفعان تبیین شد. برای تبیین معیارها و ریزمعیارها، محتوای اصول و فصول تحلیل و خروجی این تحلیل در هر یک از جداول معیارهای اصلی ارائه‌شده است. نمودار (۱) این رابطه را نشان می‌دهد. بر این اساس فرضیه اصلی موردبررسی در این مقاله به شرح زیر است:

فرضیه اصلی: تفاوتی بین استقرار مطلوب حاکمیت شرکتی مبتنی‌بر سهامداران و حاکمیت شرکتی مبتنی‌بر رعایت حقوق ذی‌نفعان نیست.



نمودار (۱): رابطه حاکمیت شرکتی مبتنی‌بر سهامداران و حاکمیت شرکتی مبتنی‌بر ذی‌نفعان

منبع: یافته‌های تحقیق

۳-۱. انصاف

اصل سوم اصول حاکمیت شرکتی سازمان توسعه و همکاری اقتصادی بیان می‌کند که سازمان باید در قالب پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی مطلوب در سازمان با تمام سهامداران رفتار یکسانی داشته باشد. به‌عبارتی چارچوب حاکمیت شرکتی باید سازمان را از رفتار مساوی با همه سهامداران که شامل سهامداران اقلیت و غیرنهادی است، مطمئن نماید و همه سهامداران باید فرصت‌های یکسانی را برای تأمین یا جبران حقوقشان در صورت نقض در آن داشته باشند. به‌عبارتی این اصل بر توزیع یکسان ثروت بین ذی‌نفعان و اعضای زیان‌دیده و جبران آن از محل منابع سازمان می‌پردازد و مبتنی‌بر آن عدالت و انصاف بین همه افراد درگیر یا ذی‌نفع از سازمان باید برقرار باشد تا از پیاده‌سازی مطلوب این اصل در سازمان اطمینان حاصل گردد. بر این اساس و منطبق با اصول حاکمیت شرکتی سازمان توسعه و همکاری اقتصادی بخش‌های زیر در قالب عامل انصاف شناسایی شده است. همچنین مبتنی‌بر این اقلام در این مقاله فرضیه فرعی اول به شرح زیر ارائه شده است.

فرضیه فرعی اول: عامل انصاف در سازمان در سطح مطلوبی پیاده‌سازی شده است.

عامل انصاف
هیأت مدیره به‌صورت رسمی مجموعه‌ای از شاخص‌های کلیدی برای بررسی عملکرد پنج‌ساله مدیران مبتنی‌بر هزینه‌های وارده بر سازمان را مشخص کرده است.

همه کارکنان به سابقه ارزیابی خود دسترسی دارند و امکان ارائه انتقادات و پیشنهادات به سهولت برای آنها فراهم است.
سازمان از سازوکار مناسبی جهت ثبت و پاسخ‌گویی به انتقادات و شکایات سهامداران، مشتریان، کارکنان و سایر ذینفعان برخوردار است.
سهامداران فرصت انجام پرسش و پاسخ از هیأت مدیره در مجامع را دارند.
مدیران بخش‌ها در ارتباط با کیفیت عملکرد کارکنان به مدیرعامل یا اعضای هیأت مدیره گزارش می‌دهند.
در طول پنج سال گذشته پاداش مدیران با نرخ رشدی فراتر از نرخ رشد پاداش کارکنان افزایش نیافته است.

۳-۲. شفافیت

افشای اطلاعات و شفافیت یکی از ارکان با اهمیت حاکمیت شرکتی مطلوب است و اصل ۵ اصول حاکمیت شرکتی سازمان توسعه و همکاری اقتصادی به آن پرداخته است. شفافیت افشای کامل و صادقانه اطلاعات در بازار است که بر کارایی و اثربخش بودن بازار مؤثر است. شفافیت استانداردهایی است که رویدادها، معاملات، قضاوت‌ها و برآوردهای ساختاری صورت‌های مالی را به نمایش می‌گذارد. همچنین، شفافیت استانداردهای مناسب و مطلوب حسابداری است که صورت‌های مالی تهیه‌شده را در همان دوره وقوع گزارش نماید (مجموعه مقالات و سخنرانی‌های همایش راهبری شرکتی، بورس اوراق بهادار تهران، ۱۳۸۷، ص. ۲۷) و سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی شفافیت را افشای به هنگام و دقیق تمام موضوعات مهم ازجمله وضعیت مالی، عملکرد، مالکیت و حاکمیت شرکتی معرفی کرده است. به‌عبارتی شفافیت در راستای پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی شامل اطلاعات مهم در رابطه با اهداف و دستاوردهای مالی و عملیاتی، مالکیت عمده سهام و حق رأی، سیاست تعیین حق‌الزحمه هیأت مدیره و مدیران اجرایی اصلی، اطلاعات در رابطه با هیأت مدیره، فرآیند انتخاب آنها، عضویت آنها در سایر شرکت‌ها، معامله با اشخاص وابسته، عوامل قابل پیش‌بینی ریسک و... است. بر این اساس و منطبق با اصول حاکمیت شرکتی سازمان توسعه و همکاری اقتصادی بخش‌های زیر در قالب عامل شفافیت شناسایی‌شده است. مبتنی‌بر این اقلام در این مقاله فرضیه فرعی دوم به شرح زیر ارائه‌شده است.

فرضیه فرعی دوم: عامل شفافیت در سازمان در سطح مطلوبی پیاده‌سازی شده است.

عامل شفافیت
گزارشات مالی مطابق با استانداردهای حسابداری و قوانین مالیاتی به‌طور سالانه ارائه می‌شود.
هیأت مدیره گزارش سه تا پنج‌ساله عملکرد خود را افشا می‌نماید.
نتایج جلسات هیأت مدیره، کمیته‌های هیأت مدیره و مجامع (عادی و ویژه) به‌صورت کامل و در اسرع وقت به‌صورت عمومی (سایت سازمان) اعلام می‌شود.
گزارش سالانه سازمان علاوه‌بر صورت‌های مالی معمول، شامل ریسک و سایر عواملی است که ممکن است بر تفسیر صورت‌های مالی اثر بگذارد.
اطلاعات مربوط به دارایی، معاملات و تعهدات زیرخط ترازنامه به‌صورت شفاف اعلام می‌شود.
گزارشات مالی توسط شرکت حسابرسی مستقل موردبررسی قرار می‌گیرد.
اطلاعات مربوط به تمام مبادلات مرتبط به فعالیت‌های سازمان و شرکت‌های وابسته با سهامداران، مدیران و وابستگان آنها اعلام می‌شود.
کلیه اطلاعات سهامداران بالای ۱ درصد و سهامداران نهادی به‌صورت سالانه در سایت سازمان قرار می‌گیرد.
سازمان کلیه اطلاعات مربوط به ساختار تشویقی (پاداش نقدی و غیرنقدی) اعضای هیأت مدیره و مدیران ارشد را اعلام می‌کند.
سازمان و شرکت‌های وابسته آن دارای وب‌سایت مناسب برای انتشار اخبار و اطلاعات آماری به‌روز می‌باشد.

۳-۳. پاسخ‌گویی

پاسخ‌گویی مسئول دانستن فرد یا افرادی مشخص در قبال وظایف محوله یا به‌عبارتی دلیل آوردن و دلیل خواستن برای کارهای انجام‌شده و وظایف انجام‌نشده است. پاسخ‌گویی تعریف شفاف وظایف محوله، مشخص بودن مسئولیت انجام کارها، تفویض‌ناپذیر بودن مسئولیت پاسخ‌گویی و مستند و مبتنی‌بر شواهد بودن پاسخ‌ها است. بورن و لیت[۲۴] (۲۰۰۵) سه ویژگی از پاسخ‌گویی شامل تعهد به پاسخ‌گویی، تمایل به پاسخ‌گویی دقیق و درست و قضاوت‌های قابل دفاع در پاسخ‌گویی را معرفی کرده است. با بزرگ‌شدن شرکت‌ها، مسئولیت پاسخ‌گویی آنها بیشتر و مدیران شرکت‌ها در معرض

پاسخ‌گویی به طیف وسیعی از مدعیان قرار می‌گیرند. به‌موجب رابطه پاسخ‌گویی، پاسخ‌گو ملزم به فراهم آوردن اطلاعات معینی از انجام وظایف محوله به خود است. به‌عبارتی پاسخ‌گویی رابطه دوطرفه بین پاسخ‌گو و ذی‌نفعان یا پاسخ‌خواهان است که ابعاد مسئولیت‌پذیری پاسخ‌گو را نشان می‌دهد. بر این اساس و مبتنی‌بر اصول حاکمیت شرکتی سازمان توسعه و همکاری اقتصادی بخش‌های زیر در قالب عامل پاسخ‌گویی شناسایی‌شده است. مبتنی‌بر این اقلام در این مقاله فرضیه فرعی سوم به‌شرح زیر ارائه شده است.

فرضیه فرعی سوم: عامل پاسخ‌گویی در سازمان در سطح مطلوبی پیاده‌سازی شده است.

عامل پاسخ‌گویی
اعضای هیأت مدیره و تیم مدیریت اجرایی متفاوت می‌باشند.
جلسات هیأت مدیره حداقل یک‌بار در هر فصل از سال برگزار می‌شود.
کمیته حسابرسی، حسابرس مستقل را پیشنهاد و با آن در ارتباط است.
کمیته حسابرسی وظیفه نظارت بر حسابرسان داخلی و روش‌های آنها را بر عهده دارد.

۳-۴. مسئولیت‌پذیری

حاکمیت شرکتی ضمن ارائه چارچوب قانونی و مقرراتی برای تعیین روابط و مسئولیت‌های میان اعضای هیأت مدیره، مدیرعامل، سهامداران و ذینفعان دیگر، تضمین عملکرد رقابتی لازم برای صحت و سلامت فعالیت‌ها و اطمینان نسبت به رعایت حقوق ذینفعان و ارائه معیارها و سازوکارهای نظارت و کنترل بر فعالیت‌های مدیران را فراهم می‌آورد. پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی مطلوب باعث کاهش مشکلات نمایندگی در سازمان شده و مسئولیت‌پذیری مدیران را با کاهش تضاد منافع افزایش می‌دهد. به‌عبارتی حاکمیت شرکتی توزیع حقوق و مسئولیت‌های ذینفعان مختلف اعم از مدیران، کارکنان، سهامداران، اعتباردهندگان و سایر ذی‌نفعان حقیقی و حقوقی است که از فعالیت‌های شرکت تأثیر و بر آن اثرگذار هستند، می‌باشد. اصل ۶ اصول حاکمیت شرکتی سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی به مسأله مسئولیت‌پذیری هیأت مدیره پرداخته و بیان

می‌کند که چارچوب حاکمیت شرکتی باید راهنمای راهبردی شرکت، نظارت مؤثر مدیریت توسط هیأت مدیره و پاسخ‌گویی هیأت مدیره به سازمان و سهامداران را در برگیرد. بر این اساس بخش‌های زیر در قالب عامل مسئولیت‌پذیری برای استقرار حاکمیت شرکتی مطلوب در سازمان شناسایی‌شده است. مبتنی‌بر این اقلام در این مقاله فرضیه فرعی چهارم به شرح زیر ارائه‌شده است.

فرضیه فرعی چهارم: عامل مسئولیت‌پذیری در سازمان در سطح مطلوبی پیاده‌سازی شده است.

عامل مسئولیت‌پذیری
هیأت مدیره در قبال فعالیت‌های مدیریت ارشد و هزینه‌های ایجادشده از سوی آنها مسئول است و نسبت به اصلاح و حذف هزینه در طی شش ماه اقدام لازم را صورت می‌دهد.
سازوکار لازم برای برخورد و تنبیه تیم مدیریتی در سازمان، حتی باوجود از دست دادن آنها وجود دارد.
مدیریت ارشد در برابر وظایف تفویض شده به کارکنان زیردست و ایجاد یک ساختار مناسب پاسخ‌گویی مسئولیت دارد.
هیأت مدیره و مدیریت ارشد در خصوص توزیع منصفانه منافع میان کارکنان پاسخ‌گو هستند.
هیأت مدیره و مدیریت ارشد سازوکار لازم برای تنبیه افراد خاطی در صورت ارتکاب اعمال غیراخلاقی یا وارد نمودن خسارت بر سازمان را طی دوره پنج‌ساله دارند.

۳-۵. مسئولیت‌های اجتماعی

خان[۲۵] (۲۰۱۰)، هانگ[۲۶] (۲۰۱۰) و کاپور و سندهو[۲۷] (۲۰۱۰)، مسئولیت‌های اجتماعی سازمان، ابعاد مختلفی شامل کارکنان، مشتریان، محیط‌زیست، بهداشت و سلامت، آموزش، توسعه روستایی و نهادهای موجود در جامعه را لحاظ می‌کند. برای مسئولیت اجتماعی چهار بعد مشتریان، کارکنان، محیط‌زیست و نهادهای موجود در جامعه لحاظ شده است. مسئولیت اجتماعی در ارتباط با مشتریان شامل فعالیت‌هایی است که یک شرکت انجام می‌شود تا رضایت مشتریان را تأمین نماید. مسئولیت اجتماعی سازمان در قبال کارکنان قبول مسئولیت اجتماعی برای فعالیت‌های ایمنی و بهداشت و تأمین رفاه و روحیه کارکنان است. مسئولیت‌پذیری محیطی به‌عنوان یک جنبه مهم مسئولیت اجتماعی شرط لازم برای

بقاء و موفقیت سازمان است , مسئولیت اجتماعی شامل احساس مسئولیت در رابطه با نهادهای موجود در جامعه است. امروزه این موضوع پذیرفته‌شده که شرکت‌ها با جوامع و همچنین نهادهای که با آنها در تعامل هستند، در ارتباط و تداوم و بقای آنها به سلامتی، پایداری و موفقیت این نهادها، وابسته است (استاندارد ایزو ۲۶۰۰۰، ۱۳۸۹). امروزه، مسئولیت اجتماعی شرکتی، بخش جدایی‌ناپذیری از کتب و مقالات مالی اقتصادی جهان تلقی می‌شود و تمایل به سرمایه‌گذاری در شرکت‌هایی که گزارشگری مسئولیت اجتماعی شرکتی دارند، در حال افزایش است. درحالی‌که، اصطلاح مسئولیت اجتماعی شرکتی نسبتاً جدید به‌نظر می‌رسد، بررسی آثار و مقالات نشان می‌دهد که این مفهوم در طول چندین دهه، همگام با توسعه‌های اجتماعی، سیاسی و محیط کسب‌وکار تکامل‌یافته است. بر این اساس بخش‌های زیر در قالب عامل مسئولیت‌پذیری برای استقرار حاکمیت شرکتی مطلوب در سازمان شناسایی‌شده است. مبتنی‌بر این اقلام در این مقاله فرضیه فرعی پنجم به شرح زیر ارائه‌شده است.

فرضیه فرعی پنجم: عامل مسئولیت‌های اجتماعی در سازمان در سطح مطلوبی پیاده‌سازی شده است.

عامل مسئولیت‌های اجتماعی
سازمان سیاست مشخص و شفافی در رابطه با کدهای اخلاقی دارد و آنها را صریح و روشن به اطلاع عموم می‌رساند.
سازمان دارای سیاست یا فرهنگ مشخصی در مورد سن استخدام کارکنان است.
سیاست‌های استخدامی سازمان برای تمام کارکنان یکسان اعمال می‌شود.
سازمان قوانین و مقررات زیست‌محیطی را به صراحت موردتوجه قرار داده و اعمال می‌نماید.
سازمان از سازوکار مناسب گزارش‌دهی در بخش‌های مختلف مدیریتی برخوردار است.
کارکنان می‌توانند شیوه کاری خود را در اعمال وظایف خود مورداستفاده قرار دهند.

پرسشنامه طراحی‌شده مبتنی‌بر ابعاد شناسایی‌شده، بین مدیران و کارشناسان بانکی برای دریافت نظرات آنها پخش شد. پس از جمع‌آوری، ۱۲۹ پرسشنامه از ۱۵۰ پرسشنامه توزیع‌شده، برای بررسی با استفاده از آزمون مقایسه میانگین چند جامعه[۲۸] و آزمون‌های پس از تجربه شامل آزمون LSD و در نرم‌افزار SPSS مورداستفاده قرار گرفت.

۴. روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق براساس ماهیت آن توصیفی پیمایشی است. جامعه آماری موردمطالعه در این پژوهش مدیران بانکی در سطوح مختلف مدیریتی است. با توجه به حجم بالای جامعه آماری، با استفاده از نمونه‌گیری نتایج مقاله بررسی و تحلیل‌شده‌اند. روش نمونه‌گیری تصادفی ساده است و در انتخاب نمونه سلیقه شخصی دخیل نبوده است که امکان تعمیم نتایج را می‌دهد. پرسشنامه مقاله نیز مبتنی‌بر بررسی ادبیات پژوهشی پیرامون موضوع و ساخت مدل شرح داده‌شده در مقاله حاضر طراحی‌شده است. سؤال اصلی این پژوهش به این شرح است که مبتنی‌بر اصول حاکمیت شرکتی برای سهامداران و یا برای ذی‌نفعان، استقرار حاکمیت شرکتی در بانک‌های ایران در چه مرحله‌ای است؟ بدین‌منظور بانک‌ها ایران به سه دسته بانک‌ها دولتی، خصوصی و مؤسسات مالی و اعتباری تقسیم و ۱۵۰ پرسشنامه بین مدیران بانک‌ها خصوصی (۳۸,۳ درصد از حجم نمونه)، دولتی (۳۹,۶ درصد از حجم نمونه) و مؤسسات مالی و اعتباری (۲۲,۱ درصد از حجم نمونه) توزیع گردید که از این تعداد ۱۲۹ پرسشنامه پاسخ و برگشت داده شد و در تحلیل و بررسی نتایج مورداستفاده قرار گرفت. برای آزمون پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد و مقدار آن با آزمون ۳۰ پرسشنامه اول جمع‌آوری‌شده در نرم‌افزار SPSS برابر با ۸۲,۴ درصد بوده است که حاکی از قابل‌قبول بودن پایایی پرسشنامه است.

۵. تفسیر نتایج

آمار توصیفی نمونه موردبررسی در بانک‌های خصوصی، دولتی و مؤسسات مالی و اعتباری به شرح جدول (۱) است. همان‌طور که آماره‌ها نشان می‌دهند مردان، افراد باسابقه کاری بین ۵ تا ۱۰ سال و تحصیلات کارشناسی ارشد و در سطح کارشناس بیشترین افراد در نمونه‌های موردبررسی بودند.

جدول (۱): آمار توصیفی اطلاعات عمومی پاسخ‌دهندگان (درصد)

شرح	
جنسیت	
مرد	۶۷,۱
زن	۳۲,۹

سابقه کار	
زیر ۵ سال	۱۵,۲
۵ تا ۱۰ سال	۵۴,۹
۱۰ سال و بالاتر	۲۹,۹
تحصیلات	
کارشناسی	۴۲,۷
کارشناسی ارشد	۴۴,۲
دکتری	۱۳,۱
سمت سازمانی	
مدیر	۲۲,۲
کارشناس ارشد	۷۷,۸

منبع: یافته‌های تحقیق

۶-۱. تحلیل واریانس

برای تحلیل داده‌ها، سؤالات هر بخش با توجه به دسته‌بندی در سه‌سطح بانک‌های دولتی، خصوصی و مؤسسات مالی و اعتباری و با استفاده از آزمون مقایسه میانگین چند گروه با یکدیگر مقایسه و تحلیل‌شده‌اند. فرض صفر در آزمون مقایسه میانگین چند گروه عبارتنداز:

$$H_0 =$$ تفاوت معناداری بین میانگین جوامع وجود ندارد

$$H_1 =$$ تفاوت معناداری بین میانگین جوامع وجود دارد

۶-۱-۱. بررسی اصل انصاف

برای بررسی سطح پیاده‌سازی انصاف در بانک‌ها فرضیه زیر مطرح‌شده است که در این بخش آزمون مقایسه میانگین جوامع برای این بخش اجراشده است.

فرضیه فرعی اول: عامل انصاف در سه نوع بانک دولتی، خصوصی و مؤسسات مالی و اعتباری در سطح مطلوبی پیاده‌سازی شده است.

جدول (۲): آزمون مقایسه میانگین جامعه

متغیّر	آماره‌ها	مجموع مربع‌ها	درجه آزادی	میانگین مربع	F	سطح معناداری
عامل ۱	بین‌گروهی	۱۰,۹	۲	۵,۴۵	۱۷,۰۶	۰,۰۰۰
	درون‌گروهی	۴۰,۶	۱۲۷	۰,۳۲	--	--
	جمع	۵۱,۵	۱۲۹	--	--	--
عامل ۲	بین‌گروهی	۱۲,۱۲	۲	۶,۰۶	۳۹,۲۶	۰,۰۰۰
	درون‌گروهی	۱۹,۶	۱۲۷	۰,۱۵	--	--
	جمع	۳۱,۷	۱۲۹	--	--	--
عامل ۳	بین‌گروهی	۲۲,۲۳	۲	۱۱,۱۱	۲۰,۳۶	۰,۰۰۰
	درون‌گروهی	۶۹,۳۳	۱۲۷	۰,۵۴	--	--
	جمع	۹۱,۵۶	۱۲۹	--	--	--
عامل ۴	بین‌گروهی	۲۴,۴۹	۲	۱۲,۲۴	۲۹,۲۹	۰,۰۰۰
	درون‌گروهی	۵۳,۱۱	۱۲۷	۰,۴۱	--	--
	جمع	۷۷,۶	۱۲۹	--	--	--
عامل ۵	بین‌گروهی	۱۱,۹۳	۲	۵,۹۶	۴۰,۷۳	۰,۰۰۰
	درون‌گروهی	۱۸,۶	۱۲۷	۰,۱۴	--	--
	جمع	۳۰,۵۳	۱۲۹	--	--	--
عامل ۶	بین‌گروهی	۲۴,۴۹	۲	۱۲,۲۴	۲۹,۲۹	۰,۰۰۰
	درون‌گروهی	۵۳,۱۱	۱۲۷	۰,۴۱	--	--
	جمع	۷۷,۶	۱۲۹	--	--	--

منبع: یافته‌های تحقیق

در بررسی عامل انصاف، فرض صفر برای هر ۶ عامل معرف انصاف در سطح ۵ درصد رد شده و تفاوت معناداری بین میانگین جوامع وجود دارد. به‌عبارتی میانگین هر عامل در گروه‌های بانک‌های دولتی، خصوصی و مؤسسات مالی و اعتباری متفاوت است و ضرورت دارد برای تبیین اینکه این تفاوت به چه ترتیب است و در کدام نوع بانک

حاکمیت شرکتی در سطح عامل انصاف مطلوب‌تر پیاده شده است، آزمون پس از تجربه را انجام داد.

نتایج آزمون پس از تجربه نشان می‌دهد در سطح معناداری ۵ درصد، تفاوت معناداری در سطح پیاده‌سازی عامل انصاف حاکمیت شرکتی مبتنی‌بر سهامداران در بین سه گروه بانک موردبررسی، وجود دارد. در تحلیل نتایج آزمون پس از تجربه مبتنی‌بر سطح معناداری و حد بالا و پایین تحلیل انجام می‌شود[۲۹]. بر این اساس مبتنی‌بر سطح معناداری فرض مبنی‌بر عدم‌وجود تفاوت معنادار بین سه گروه بانک‌های دولتی، خصوصی و مؤسسات مالی و اعتباری رد می‌شود و تفاوت معناداری در پیاده‌سازی عامل اول انصاف در این سه گروه وجود دارد. سپس مبتنی‌بر تحلیل نتایج حد بالا و پایین مشاهده می‌شود که در عامل اول انصاف بانک‌های خصوصی در مقایسه با بانک‌های دولتی و بانک‌های دولتی در مقایسه با مؤسسات مالی و اعتباری وضع بهتری در پیاده‌سازی عامل اول انصاف داشته و هیأت مدیره به‌صورت رسمی مجموعه‌ای از شاخص‌های کلیدی برای بررسی عملکرد پنج‌ساله مدیران مبتنی‌بر هزینه‌های وارده بر سازمان را مشخص کرده است. بررسی عامل دوم نشان می‌دهد که تفاوتی بین بانک‌های خصوصی و دولتی در دسترسی همه کارکنان به سابقه ارزیابی و امکان ارائه انتقادات و پیشنهادات وجود ندارد و بانک‌های دولتی و خصوصی در مقایسه با مؤسسات مالی و اعتباری این مورد را بهتر پیاده نموده‌اند. نتایج بررسی عامل سوم در میان گروه بانک‌ها مشابه عامل اول است. به‌عبارتی بانک‌های خصوصی، بانک‌های دولتی و سپس مؤسسات مالی و اعتباری به ترتیب در راستای پیاده‌سازی سازوکار مناسب جهت ثبت و پاسخ‌گویی به انتقادات و شکایات سهامداران، مشتریان، کارکنان و سایر ذینفعان نحوه عمل مطلوب‌تری داشتند. عامل چهارم بانک‌های خصوص از بانک‌های دولتی و مؤسسات مالی و اعتباری بهتر عمل کرده و مؤسسات مالی و اعتباری و بانک‌های دولتی در پیاده‌سازی عامل چهارم تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند. عامل پنجم تفاوت معناداری بین مؤسسات مالی و اعتباری و بانک‌های خصوصی نیست، اما بانک‌های دولتی از دو گروه بانک دیگر بهتر عامل پنجم اصل انصاف را در بانک پیاده نموده‌اند. عامل ششم نیز حاکی از آن است که بین مؤسسات مالی و اعتباری و بانک‌های دولتی تفاوت معناداری وجود ندارد، اما بانک‌های خصوصی وضع

مطلوب‌تری در پیاده‌سازی رشد پاداش پنج سال گذشته مدیران با نرخ رشدی همتراز با نرخ رشد پاداش کارکنان داشته است.

۶-۱-۲. بررسی اصل شفافیت

برای بررسی سطح پیاده‌سازی شفافیت در بانک‌ها فرضیه زیر مطرح‌شده است که در این بخش آزمون مقایسه میانگین جوامع برای این بخش اجراشده است.

فرضیه فرعی دوم: عامل شفافیت در سه نوع بانک دولتی، خصوصی و مؤسسات مالی و اعتباری در سطح مطلوبی پیاده‌سازی شده است.

جدول (۳): آزمون مقایسه میانگین جامعه

متغیّر	آماره‌ها	مجموع مربع‌ها	درجه آزادی	میانگین مربع	F	سطح معناداری
عامل ۱	بین‌گروهی	۱۲,۷۶۵	۲	۶,۳۸	۱۵,۰۰	۰,۰۰۰
	درون‌گروهی	۵۴,۰۱	۱۲۷	۰,۴۲۵	--	--
	جمع	۶۶,۷۷	۱۲۹	--	--	--
عامل ۲	بین‌گروهی	۴۷,۲۷	۲	۲۳,۶۳	۴۷,۲۷	۰,۰۰۰
	درون‌گروهی	۶۳,۵۰	۱۲۷	۰,۵۰۰	--	--
	جمع	۱۱۰,۷۷	۱۲۹	--	--	--
عامل ۳	بین‌گروهی	۲۵,۷۵	۲	۱۲,۸۷۶	۱۰,۴۵	۰,۰۰۰
	درون‌گروهی	۱۵۶,۴۴	۱۲۷	۱,۲۳۲	--	--
	جمع	۱۸۲,۱۹	۱۲۹	--	--	--
عامل ۴	بین‌گروهی	۴,۴۲	۲	۲,۲۱۱	۲,۹۵۱	۰,۰۵۶
	درون‌گروهی	۹۵,۱۸	۱۲۷	۰,۷۴۹	--	--
	جمع	۹۹,۶۰	۱۲۹	--	--	--
عامل ۵	بین‌گروهی	۱۲,۱۲	۲	۶,۰۶۱	۳۹,۲۶	۰,۰۰۰
	درون‌گروهی	۱۹,۶۰	۱۲۷	۰,۱۵۴	--	--
	جمع	۳۱,۷۳	۱۲۹	--	--	--

متغیّر	آماره‌ها	مجموع مربع‌ها	درجه آزادی	میانگین مربع	F	سطح معناداری
عامل ۶	بین‌گروهی	۱۰,۱۱	۲	۵,۰۵۸	۳۲,۷۵	۰,۰۰۰
	درون‌گروهی	۱۹,۶۰	۱۲۷	۰,۱۵۴	--	--
	جمع	۲۹,۷۲	۱۲۹	--	--	--
عامل ۷	بین‌گروهی	۱۰,۵۳	۲	۵,۲۶۷	۷,۰۲۸	۰,۰۰۱
	درون‌گروهی	۹۵,۱۸	۱۲۷	۰,۷۵۰	--	--
	جمع	۱۰۵,۷۲	۱۲۹	--	--	--
عامل ۸	بین‌گروهی	۳,۰۵	۲	۱,۵۲۵	۵,۸۷۳	۰,۰۰۴
	درون‌گروهی	۳۲,۹۸	۱۲۷	۰,۲۶۰	--	--
	جمع	۳۶,۰۳	۱۲۹	--	--	--
عامل ۹	بین‌گروهی	۱۹,۴۴	۲	۹,۷۲	۱۷,۱۱	۰,۰۰۰
	درون‌گروهی	۷۲,۱۳	۱۲۷	۰,۵۶۸	--	--
	جمع	۹۱,۵۶	۱۲۹	--	--	--
عامل ۱۰	بین‌گروهی	۲۵,۰۷	۲	۱۲,۵۳	۲۸,۲۷	۰,۰۰۰
	درون‌گروهی	۵۶,۳۱	۱۲۷	۰,۴۴	--	--
	جمع	۸۱,۳۹	۱۲۹	--	--	--

منبع: یافته‌های تحقیق

در بررسی عامل شفافیت، فرض صفر برای هر ۱۰ عامل معرف شفافیت در سطح ۵ درصد رد شده و تفاوت معناداری بین میانگین جوامع وجود دارد. به‌عبارتی میانگین هر عامل در گروه‌های بانک‌های دولتی، خصوصی و مؤسسات مالی و اعتباری متفاوت است و ضرورت دارد برای تبیین اینکه این تفاوت به چه ترتیب است و در کدام نوع بانک حاکمیت شرکتی در سطح عامل شفافیت مطلوب‌تر پیاده شده است، آزمون پس از تجربه را انجام داد. نتایج آزمون پس از تجربه نشان می‌دهد تفاوت معناداری در سطح پیاده‌سازی عامل شفافیت حاکمیت شرکتی مبتنی‌بر سهامداران در بین سه گروه بانک موردبررسی، وجود دارد. نتایج این تحلیل نشان می‌دهد که عامل اول، سوم، هشتم، نهم و دهم بین

مؤسسات مالی و اعتباری و بانک‌های دولتی در پیاده‌سازی اصل شفافیت تحت عامل‌هایی که معرف شفافیت در بانک هستند، تفاوت معناداری وجود ندارد، اما بانک‌های خصوصی در سطح مطلوب‌تری از دو گروه دیگر بانک این عامل‌ها را پیاده نموده‌اند. از سوی دیگر نتایج بررسی عامل دوم، ششم و هفتم نشان می‌دهد که بانک‌های خصوصی، بانک‌های دولتی و مؤسسات مالی و اعتباری به ترتیب به نحوه مطلوب‌تری این عامل‌های را پیاده نموده‌اند و نتایج بررسی عامل چهارم نشان می‌دهد که بین بانک‌های خصوصی و دولتی تفاوت معناداری وجود ندارد و این دو در مقایسه با مؤسسات مالی و اعتباری سطح مطلوب‌تری از اصل شفافیت حاکمیت شرکتی را پیاده نموده‌اند. همچنین تحلیل نتایج عامل پنجم نیز نشان می‌دهد که هر سه گروه بانک‌ها در پیاده‌سازی و ارائه اطلاعات مربوط به دارایی، معاملات و تعهدات زیرخط ترازنامه، تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند.

۶-۱-۳. بررسی اصل پاسخگویی

برای بررسی سطح پیاده‌سازی پاسخ‌گویی در بانک‌ها فرضیه زیر مطرح‌شده است که در این بخش آزمون مقایسه میانگین جوامع برای این بخش اجراشده است.

فرضیه فرعی سوم: عامل پاسخ‌گویی در سه نوع بانک دولتی، خصوصی و مؤسسات مالی و اعتباری در سطح مطلوبی پیاده‌سازی شده است.

جدول (۴): آزمون مقایسه میانگین جامعه

متغیّر	آماره‌ها	مجموع مربع‌ها	درجه آزادی	میانگین مربع	F	سطح معناداری
عامل ۱	بین‌گروهی	۴,۱۰۳	۲	۲,۰۵۲	۳,۶۰۹	۰,۰۳۰
	درون‌گروهی	۷۲,۲۰۴	۱۲۷	۰,۵۶۹	--	--
	جمع	۷۶,۳۰۸	۱۲۹	--	--	--
عامل ۲	بین‌گروهی	۰,۶۰۶	۲	۰,۳۰۳	۱,۴۶۴	۰,۲۳۵
	درون‌گروهی	۲۶,۲۸۶	۱۲۷	۰,۲۰۷	--	--
	جمع	۲۶,۸۹۲	۱۲۹	--	--	--

عامل ۳	بین‌گروهی	۱۳,۵۴	۲	۶,۷۷۱	۵,۷۸۲	۰,۰۰۴
	درون‌گروهی	۱۴۸,۷۳	۱۲۷	۱,۱۷۱	--	--
	جمع	۱۶۲,۲۷	۱۲۹	--	--	--
عامل ۴	بین‌گروهی	۴,۱۰	۲	۲,۰۵۲	۳,۶۰۹	۰,۰۳۰
	درون‌گروهی	۷۲,۲۰	۱۲۷	۰,۵۶۹	--	--
	جمع	۷۶,۳۰	۱۲۹	--	--	--

منبع: یافته‌های تحقیق

در بررسی عامل انصاف، فرض صفر برای هر ۶ عامل معرف انصاف در سطح ۵ درصد رد شده و تفاوت معناداری بین میانگین جوامع وجود دارد. به‌عبارتی میانگین هر عامل در گروه‌های بانک‌های دولتی، خصوصی و مؤسسات مالی و اعتباری متفاوت بوده و ضرورت دارد برای تبیین اینکه این تفاوت به چه ترتیب است و در کدام نوع بانک حاکمیت شرکتی در سطح عامل انصاف مطلوب‌تر پیاده شده است، آزمون پس از تجربه را انجام داد. نتایج آزمون پس از تجربه نشان می‌دهد تفاوت معناداری در سطح پیاده‌سازی عامل پاسخ‌گویی حاکمیت شرکتی مبتنی‌بر سهامداران در بین سه گروه بانک مورد بررسی، وجود دارد. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که در هر چهار عامل بانک‌های خصوصی وضعیت مطلوب‌تری در پیاده‌سازی عامل پاسخ‌گویی داشته و اصل پاسخ‌گویی حاکمیت شرکتی در بانک‌های خصوصی بهتر پیاده شده و مؤسسات مالی و اعتباری در رده سوم قرار دارند.

۶-۱-۴. بررسی اصل مسئولیت‌پذیری

برای بررسی سطح پیاده‌سازی مسئولیت‌پذیری در بانک‌ها فرضیه زیر مطرح‌شده است که در این بخش آزمون مقایسه میانگین جوامع برای این بخش اجراشده است.

فرضیه فرعی اول: عامل مسئولیت‌پذیری در سه نوع بانک دولتی، خصوصی و مؤسسات مالی و اعتباری در سطح مطلوبی پیاده‌سازی شده است.

جدول (۵): آزمون مقایسه میانگین جامعه

متغیّر	آماره‌ها	مجموع مربع‌ها	درجه آزادی	میانگین مربع	F	سطح معناداری
عامل ۱	بین‌گروهی	۵۷,۴۱	۲	۲۸,۷۰	۱۱۰,۹۵	۰,۰۰۰
	درون‌گروهی	۳۲,۸۶	۱۲۷	۰,۲۵۹	--	--
	جمع	۹۰,۲۷	۱۲۹	--	--	--
عامل ۲	بین‌گروهی	۳۴,۷۶	۲	۱۷,۳۷	۶۳,۳۵	۰,۰۰۰
	درون‌گروهی	۳۴,۸۲	۱۲۷	۰,۲۷۴	--	--
	جمع	۶۹,۵۶	۱۲۹	--	--	--
عامل ۳	بین‌گروهی	۱۲,۶۱	۲	۶,۳۰۸	۱۴,۳۶	۰,۰۰۰
	درون‌گروهی	۵۵,۷۶	۱۲۷	۰,۴۳۹	--	--
	جمع	۶۸,۳۷	۱۲۹	--	--	--
عامل ۴	بین‌گروهی	۳۴,۷۴	۲	۱۷,۳۷۳	۶۳,۳۵	۰,۰۰۰
	درون‌گروهی	۳۴,۸۲	۱۲۷	۰,۲۷۴	--	--
	جمع	۶۹,۵۶	۱۲۹	--	--	--
عامل ۵	بین‌گروهی	۲۱,۰۹	۲	۱۰,۵۴۷	۲۷,۷۳	۰,۰۰۰
	درون‌گروهی	۴۸,۲۹	۱۲۷	۰,۳۸۰	--	--
	جمع	۶۹,۳۹	۱۲۹	--	--	--

منبع: یافته‌های تحقیق

در بررسی عامل انصاف، فرض صفر برای هر ۶ عامل معرف انصاف در سطح ۵ درصد رد شده و تفاوت معناداری بین میانگین جوامع وجود دارد. به‌عبارتی میانگین هر عامل در گروه‌های بانک‌های دولتی، خصوصی و مؤسسات مالی و اعتباری متفاوت است و ضرورت دارد برای تبیین اینکه این تفاوت به چه ترتیب است و در کدام نوع بانک حاکمیت شرکتی در سطح عامل انصاف مطلوب‌تر پیاده شده است، آزمون پس از تجربه را انجام داد. نتایج آزمون پس از تجربه نشان می‌دهد در سطح معناداری ۵ درصد، تفاوت معناداری در سطح پیاده‌سازی عامل مسئولیت‌پذیری حاکمیت شرکتی مبتنی‌بر سهامداران

در بین سه گروه بانک موردبررسی، وجود دارد. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که در عامل اول و پنجم بانک‌های خصوصی، دولتی و مؤسسات مالی و اعتباری، در عامل دوم و چهارم بانک‌های خصوصی ابتدا و تفاوتی بین بانک‌های دولتی و مؤسسات مالی و اعتباری وجود ندارد و در عامل دوم بانک‌های خصوصی، مؤسسات مالی و اعتباری و سپس بانک‌های دولتی، به ترتیب سطح مطلوب‌تری در پیاده‌سازی اصل مسئولیت‌پذیری حاکمیت شرکتی در بانک داشته‌اند.

۶-۱-۵. بررسی اصل مسئولیت‌پذیری اجتماعی

برای بررسی سطح پیاده‌سازی مسئولیت‌پذیری اجتماعی در بانک‌ها فرضیه زیر مطرح‌شده است که در این بخش آزمون مقایسه میانگین جوامع برای این بخش اجراشده است.

فرضیه فرعی اول: عامل مسئولیت‌پذیری اجتماعی در سه نوع بانک دولتی، خصوصی و مؤسسات مالی و اعتباری در سطح مطلوبی پیاده‌سازی شده است.

جدول (۶): آزمون مقایسه میانگین جامعه

متغیّر	آماره‌ها	مجموع مربع‌ها	درجه آزادی	میانگین مربع	F	سطح معناداری
عامل ۱	بین‌گروهی	۱۷,۲۰	۲	۸,۶۰	۲۲,۹۱	۰,۰۰۰
	درون‌گروهی	۴۷,۶۸	۱۲۷	۰,۳۷	--	--
	جمع	۶۴,۸۹	۱۲۹	--	--	--
عامل ۲	بین‌گروهی	۲۵,۴۴	۲	۱۲,۷۲	۲۲,۷۲	۰,۰۰۰
	درون‌گروهی	۷۱,۰۸	۱۲۷	۰,۵۶	--	--
	جمع	۹۶,۵۳	۱۲۹	--	--	--
عامل ۳	بین‌گروهی	۵۷,۴۱	۲	۲۸,۷۰	۱۱۰,۹۵	۰,۰۰۰
	درون‌گروهی	۳۲,۸۶	۱۲۷	۰,۲۵	--	--
	جمع	۹۰,۲۷	۱۲۹	--	--	--
	بین‌گروهی	۷,۴۱	۲	۳,۷۰	۸,۶۹	۰,۰۰۰
	درون‌گروهی	۵۴,۱۹	۱۲۷	۰,۴۲	--	--

عامل ۴	جمع	۶۱,۶۰	۱۲۹	--	--	--
عامل ۵	بین‌گروهی	۱۷,۲۰	۲	۸,۶۰	۲۲,۹۱	۰,۰۰۰
	درون‌گروهی	۴۷,۶۸	۱۲۷	۰,۳۷	--	--
	جمع	۶۴,۸۹	۱۲۹	--	--	--
عامل ۶	بین‌گروهی	۱۷,۹۰	۲	۸,۹۵	۱۵,۲۸	۰,۰۰۰
	درون‌گروهی	۷۴,۴۰	۱۲۷	۰,۵۸	--	--
	جمع	۹۲,۳۰	۱۲۹	--	--	--

منبع: یافته‌های تحقیق

در بررسی عامل انصاف، فرض صفر برای هر ۶ عامل معرف انصاف در سطح ۵ درصد رد شده و تفاوت معناداری بین میانگین جوامع وجود دارد. به‌عبارتی میانگین هر عامل در گروه‌های بانک‌های دولتی، خصوصی و مؤسسات مالی و اعتباری متفاوت است و ضرورت دارد برای تبیین اینکه این تفاوت به چه ترتیب است و در کدام نوع بانک حاکمیت شرکتی در سطح عامل انصاف مطلوب‌تر پیاده شده است، آزمون پس از تجربه را انجام داد. نتایج آزمون پس از تجربه نشان می‌دهد در سطح معناداری ۵ درصد، تفاوت معناداری در سطح پیاده‌سازی عامل انصاف حاکمیت شرکتی مبتنی‌بر سهامداران در بین سه گروه بانک موردبررسی، وجود دارد. نتایج حاکی از آن است که در هر ۶ عامل، بانک‌های خصوصی در پیاده‌سازی مسئولیت‌های اجتماعی بانک و برقراری حاکمیت شرکتی مبتنی‌بر ذی‌نفعان مطلوب‌تر عمل نموده و بانک‌های دولتی و مؤسسات مالی و اعتباری یا تفاوت معناداری نداشته یا در برخی عوامل بانک‌های دولتی و در برخی دیگر مؤسسات مالی و اعتباری نتایج مطلوب‌تری داشته‌اند. همچنین در پیاده‌سازی عامل پنجم «سازمان از سازوکار مناسب گزارش‌دهی در بخش‌های مختلف مدیریتی برخوردار است.»، همه بانک‌ها در یک سطح بوده و تفاوت معناداری بین آنها وجود ندارد.

۶-۱-۶. بررسی استقرار حاکمیت شرکتی مبتنی‌بر سهامداران یا ذی‌نفعان

در این بخش برای بررسی سطح استقرار حاکمیت شرکتی در گروه بانک‌ها (در سطح سهامداران یا در سطح ذی‌نفعان) به بررسی این مسأله پرداخته‌شده است و برای بررسی

آن در بانک‌ها فرضیه زیر مطرح‌شده است که در این بخش آزمون مقایسه میانگین جوامع برای این بخش اجراشده است.

فرضیه اصلی: حاکمیت شرکتی در سطح سهامداران با حاکمیت شرکتی در سطح ذی‌نفعان در سه نوع بانک دولتی، خصوصی و مؤسسات مالی و اعتباری در سطح مطلوبی پیاده‌سازی شده است و تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند.

جدول (۷): آزمون مقایسه میانگین جامعه

متغیّر	آماره‌ها	مجموع مربع‌ها	درجه آزادی	میانگین مربع	F	سطح معناداری
حاکمیت شرکتی مبتنی‌بر سهامداران	بین‌گروهی	۱۰,۶۵	۲	۵,۳۲	۳۴,۷۶	۰,۰۰۰
	درون‌گروهی	۱۹,۴۶	۱۲۷	۰,۱۵	--	--
	جمع	۳۰,۱۱	۱۲۹	--	--	--
حاکمیت شرکتی مبتنی‌بر ذی‌نفعان	بین‌گروهی	۱۲,۹۳	۲	۶,۴۶	۲۸,۸۳	۰,۰۰۰
	درون‌گروهی	۲۸,۴۹	۱۲۷	۰,۲۲	--	--
	جمع	۴۱,۴۳	۱۲۹	--	--	--

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج آزمون مقایسه میانگین حاکی از آن است که در استقرار حاکمیت شرکتی مبتنی‌بر سهامداران یا ذی‌نفعان در سه گروه بانک‌های دولتی، خصوصی و مؤسسات مالی و اعتباری تفاوت معناداری با یکدیگر دارند. به‌عبارتی میانگین هر عامل در گروه‌های بانک‌های دولتی، خصوصی و مؤسسات مالی و اعتباری متفاوت است و ضرورت دارد برای تبیین اینکه این تفاوت به چه ترتیب است و در کدام نوع بانک حاکمیت شرکتی در سطح عامل انصاف مطلوب‌تر پیاده شده است، آزمون پس از تجربه را انجام داد.

نتایج آزمون پس از تجربه نشان می‌دهد در سطح معناداری ۵ درصد، تفاوت معناداری در سطح پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی مبتنی‌بر سهامداران یا ذی‌نفعان در بین سه گروه بانک موردبررسی، وجود دارد. نتایج حاکی از آن است که بانک‌های خصوصی سطح مطلوب‌تری از حاکمیت شرکتی چه در سطح ذی‌نفعان چه در سطح سهامداران را پیاده

نموده که البته نتایج بررسی پیاده‌سازی اصول حاکمیت شرکتی نیز این مسأله را تأیید می‌کند، اما پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی در بانک‌های دولتی و مؤسسات مالی و اعتباری در یک سطح بوده و تفاوت معناداری بین این دو گروه در پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی دیده نمی‌شود.

جدول (۸): آزمون حداقل تفاوت معنادار به‌عنوان یک آزمون پس‌تجربه

متغیّر وابسته	گروه i	گروه j	تفاوت میانگین‌ها	خطای استاندارد	سطح معناداری	فاصله اطمینان	
						حد پایین	حد بالا
حاکمیت شرکتی مبتنی‌بر سهامداران	مؤسسات مالی و اعتباری	بانک‌های دولتی	-۰,۱۹۴	۰,۰۹۲	۰,۰۳۷	-۰,۳۷۶	-۰,۰۱۱
		بانک خصوصی	-۰,۶۹۲	۰,۰۹۲	۰,۰۰۰	-۰,۸۷۴	-۰,۵۱۰
	بانک‌های دولتی	مؤسسات مالی و اعتباری	۰,۱۹۴	۰,۰۹۲	۰,۰۳۷	۰,۰۱۱	۰,۳۷۶
		بانک‌های خصوصی	-۰,۴۹۸	۰,۰۷۷	۰,۰۰۰	-۰,۶۵۱	-۰,۳۴۵
	بانک‌های خصوصی	مؤسسات مالی و اعتباری	۰,۶۹۲	۰,۰۹۲	۰,۰۰۰	۰,۵۱۰	۰,۸۷۴
		بانک‌های دولتی	۰,۴۹۸	۰,۰۷۷	۰,۰۰۰	۰,۳۴۵	۰,۶۵۱
حاکمیت شرکتی مبتنی‌بر ذی‌نفعان	مؤسسات مالی و اعتباری	بانک‌های دولتی	-۰,۱۹۶	۰,۱۱۱	۰,۰۸۰	-۰,۴۱۶	۰,۰۲۴
		بانک خصوصی	-۰,۷۵۵	۰,۱۱۱	۰,۰۰۰	-۰,۹۷۵	-۰,۵۳۴

متغیّر وابسته	گروه i	گروه j	تفاوت میانگین‌ها	خطای استاندارد	سطح معناداری	فاصله اطمینان	
						حد پایین	حد بالا
	بانک‌های دولتی	مؤسسات مالی و اعتباری	۰,۱۹۶	۰,۱۱۱	۰,۰۸۰	−۰,۰۲۴	۰,۴۱۶
		بانک‌های خصوصی	−۰,۵۵۸	۰,۰۹۳	۰,۰۰۰	−۰,۷۴۴	−۰,۳۷۳
	بانک‌های خصوصی	مؤسسات مالی و اعتباری	۰,۷۵۵	۰,۱۱۱	۰,۰۰۰	۰,۵۳۴	۰,۹۷۵
		بانک‌های دولتی	۰,۵۵۸	۰,۰۹۳	۰,۰۰۰	۰,۳۷۳	۰,۷۴۴

منبع: یافته‌های تحقیق

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

حاکمیت شرکتی به‌عنوان راهکاری برای ایجاد کنترل و برقراری توازن بین منافع مدیران و سهامداران، کاهش هزینه‌های نمایندگی، مقابله با سود و ایجاد ارزش برای شرکت‌ها تعریف می‌شود. به‌عبارتی هزینه‌های نمایندگی سرآغاز شکل‌گیری حاکمیت شرکتی است و آن با حفظ تعادل در بین اهداف اجتماعی، اقتصادی، فردی و جمعی به استفاده کارآمد از منابع و پاسخ‌گویی سازمان‌ها کمک می‌کند. مهم‌ترین هدف حاکمیت شرکتی همسویی منافع بین مدیران و سهامداران و کاهش عدم‌تقارن اطلاعاتی است. بر این اساس چهاراصل شامل انصاف، شفافیت، پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری معرف حاکمیت شرکتی مبتنی‌بر سهامداران و حفاظت از منافع سهامداران است، اما اخیراً و مبتنی‌بر متون اسلامی هدف حاکمیت شرکتی مبتنی‌بر رعایت حقوق تمامی ذی‌نفعان و رعایت اصولی توازن بین آزادی مدیریت و پاسخ‌گویی و رعایت حقوق ذی‌نفعان مطرح‌شده است و با توجه به آنکه بانک‌های ایران مبتنی‌بر شریعت اسلامی فعالیت می‌کنند، سطح استقرار حاکمیت

شرکتی مبتنی‌بر سهامداران یا ذی‌نفعان در این مقاله موردتوجه قرار گرفت و با استفاده از ۲۹ پرسشنامه موردبررسی و تحلیل قرار گرفت.

پرسشنامه‌های بررسی‌شده در مقاله حاضر بامطالعه ادبیات مسأله و منطبق با اصول حاکمیت شرکتی سازمان توسعه و همکاری اقتصادی طراحی و معیارها و زیر معیارهای تشکیل مدل به‌دست آمد. بدین‌منظور در سطح حاکمیت شرکتی مبتنی‌بر سهامداران چهاراصل شامل انصاف (۶ پرسش)، شفافیت (۱۰ پرسش)، پاسخ‌گویی (۴ پرسش) و مسئولیت‌پذیری (۵ پرسش) مطرح و در سطح حاکمیت شرکتی مبتنی‌بر ذی‌نفعان با اضافه نمودن اصل مسئولیت‌های اجتماعی (۶ پرسش) و در قالب فرضیه اصلی عدم‌تفاوت معنادار بین استقرار مطلوب حاکمیت شرکتی مبتنی‌بر سهامداران و حاکمیت شرکتی مبتنی‌بر رعایت حقوق ذی‌نفعان و پنج فرضیه فرعی به بررسی و تحلیل نتایج به‌دست‌آمده از پرسشنامه پرداخته شد.

نتایج حاکی از آن است که در هر پنج اصل بانک‌های خصوصی در مقایسه با بانک‌های دولتی و مؤسسات مالی و اعتباری وضع مطلوب‌تری در پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی داشته و با توجه به آنکه بانک‌های خصوصی در سطح مطلوب‌تری اصل مسئولیت‌های اجتماعی حاکمیت شرکتی را پیاده نموده‌اند، می‌توان نتیجه گرفت که سطح حاکمیت شرکتی در بانک‌های خصوصی در سطح مطلوب و در سطح ذی‌نفعان قرار دارد و از سطح سهامداران فراتر است، اما حاکمیت شرکتی در مؤسسات مالی و اعتباری و در بانک‌ها در سطح سهامداران استقراریافته است و ضرورت دارد بانک‌های دولتی و مؤسسات مالی و اعتباری با بازنگری نحوه عمل خود در ارتباط با پیاده‌سازی اصول حاکمیت شرکتی در بانک، سطح استقرار حاکمیت شرکتی را ارتقا و آن را به سطح ذی‌نفعان برسانند.

لازم به ذکر است که مباحث استقرار حاکمیت شرکتی در بانک‌ها در ایران مسأله نوپایی است و دراین‌ارتباط نیز سال انتشار دستورالعمل اجرایی بانک مرکزی (۱۳۹۶) نیز این مسأله را تأیید می‌کند. تا قبل از انتشار این دستورالعمل تنها رهنمود پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی در بانک‌های ایران، رهنمود کمیته نظارت بانکی بال بوده است که آن‌هم بانک‌ها ملزم به رعایت نبوده‌اند. آنچه که از استقرار و پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی در

بانک‌های ایران در این مقاله بررسی شد، نشان می‌دهد که بانک‌های خصوصی در مقایسه با مؤسسات مالی و اعتباری تازه تأسیس (اکثر این مؤسسات از ابتدای ۱۳۹۰ و پس‌ازآن تشکیل‌شده‌اند) و بانک‌های دولتی، در این رویداد موفق‌تر عمل نموده‌اند. در بانک‌های خصوصی تجربه و خبرگی مدیران در برقراری این اصول در سازمان تحت‌مدیریت خود، قابل‌توجه است. از سوی دیگر، تمام بانک‌های خصوصی در ایران در بازار سرمایه حضور دارند و به‌موجب مقررات بازار سرمایه ایران ملزم به رعایت حداقل‌های حاکمیت شرکتی هستند (هرچند مسأله استقرار حاکمیت شرکتی در بازار سرمایه ایران هم نوپا است). درنهایت آنکه تجربه بانکداری در ایران نشان می‌دهد که بانک‌های دولتی باوجودآنکه جزو دسته بانک‌های قدیمی ایران هستند، اما به دلیل ساختار دولتی که بر آنها حاکم است (فقدان شفافیت) و گاهاً به دلیل یک سری فعالیت‌های دستوری از سوی دولت (ناقض مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی) خود را چندان ملزم به پیاده‌سازی و استقرار حاکمیت شرکتی مطلوب طی سال‌های گذشته ندانسته‌اند. بنابراین، تحت چنین شرایطی به‌نظر می‌رسد دستورالعمل الزامات ناظر بر حاکمیت شرکتی مؤسسات اعتباری بانک مرکزی، بتواند نقطه آغازی در این فرآیند باشد. نکته حائز اهمیت در خصوص این دستورالعمل فصل ۸ آن است که تحت ۴ ماده، التزام به احکام و شریعت اسلامی را از بانک‌ها در انجام عملیات و فعالیت‌های بانکی خواسته است. بررسی محققین نشان می‌دهد که این فصل به‌خوبی بیانگر رعایت مقررات اسلامی و پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی از منظر اسلامی نیست و شاید بهتر باشد با مطالعه ادبیات پژوهشی در حوزه حاکمیت شرکتی از منظر رعایت حقوق ذی‌نفعان که منطبق با مقررات اسلامی است و در این پژوهش و در تحقیقات اخیر در کشورهای اسلامی به آن پرداخته‌شده است، تغییر و اصلاحاتی در این فصل صورت گیرد.

یادداشت‌ها

1. Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)
2. Vishny & Shleifer
۳. تمام اقتصادهای درحال‌توسعه، پیشرفت‌های زیادی در بسط چارچوب حاکمیت شرکتی داشته و به سمت انطباق با اصول سازمان همکاری و توسعه اقتصادی به‌صورت اختیاری یا اجباری حرکت

کرده‌اند. علاوه‌بر آن اکثر کشورهای توسعه‌یافته همچون آمریکا و انگلیس و دیگر کشورها، همچنان به تقویت سیستم حاکمیت شرکتی خود در بخش‌های مختلف ادامه می‌دهند.

۴. به‌منظور توسعه حاکمیت شرکتی در انگلستان در سال ۱۹۹۱ میلادی کمیته‌ای به ریاست سر آدرین کدبری ایجاد شد که در سال ۱۹۹۲ مجموعه پیشنهادات این کمیته برای بهبود حاکمیت شرکتی در انگلستان تحت گزارشی با عنوان گزارش کدبری (Cadbury Report) منتشر شد. این گزارش نقطه آغاز توسعه حاکمیت شرکتی در سطح بین‌المللی است.

5. Sarbanes-Oxley
6. Caratas & Spatariu
7. Principal- Agent
8. Llewellyn
9. Tirole
10. Donaldson
11. Merton
12. Stanford Research Institute
13. Dawkins & Lewis
14. Maignan & Ferrell
15. Iqbal & Mirakhor
16. Iqbal & Molyneux
17. Corporate Social Responsibility & Sustainability (CSRS)
18. Bhaduri & Selarka
19. Razek
20. Oh, Chang & Martynov
21. Black, Jang & Kim
22. Albera
23. Sulaiman & Joriah
24. Born & Leigh
25. Khan
26. Huang
27. Kapoor & Sandhu
28. ANOVA

۲۹. هرگاه حد پایین و بالا مثبت باشند، میانگین از مقدار آزمون بزرگتر است. هرگاه حد پایین و بالا منفی باشد، میانگین از مقدار مورد آزمون کوچک‌تر است و هرگاه حد پایین منفی و حد بالا مثبت باشد یا بلعکس، میانگین با مقدار مورد آزمون تفاوت معناداری ندارد.

کتابنامه

بهارمقدم، مهدی؛ صادقی، زین‌العابدین؛ و صفرزاده، ساره (۱۳۹۲). بررسی رابطه مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها. *فصلنامه حسابداری مالی*، ۵(۲۰)، ۹۰-۱۰۷.

بدری، احمد (۱۳۸۷). مبانی و ضرورت راهبری شرکتی. *همایش راهبری شرکتی، شرکت بورس اوراق بهادار تهران (سهامی عام)*، مدیریت آموزش.

حساس‌یگانه، یحیی؛ و برزگر، قدرت‌اله (۱۳۹۳). مبانی نظری مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و پارادایم تحقیقاتی آن در حرفه حسابداری. *فصلنامه حسابداری مدیریت*، ۷(۲۲)، ۱۰۹-۱۳۳.

سلیمانی، غلامرضا؛ و مقدسی، مینا (۱۳۹۳). نقش کنترل‌های داخلی، حسابرسی داخلی و کمیته حسابرسی در بهبود نظام راهبری (حاکمیت) شرکتی. *فصلنامه پژوهش حسابداری*، ۳(۱۲)، ۶۳-۷۷.

قلیچ، وهاب (۱۳۹۵). جایگاه و ابزارهای حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری اسلامی. *فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی*. ۴(۱۴)، ۸۷-۱۱۰.

کاشف‌بهرامی، فرهنگ (۱۳۹۲). راهبری شرکتی، نقش هیأت مدیره و ارتباط آن با عدم‌تقارن اطلاعاتی و حسابرسی داخلی. *فصلنامه حسابدار رسمی*، ۹(۳۶)، ۵۸-۶۸.

کرمی، غلامرضا؛ و بیک بشرویه، سلمان (۱۳۹۰). راهبری شرکتی و ارزشیابی شرکت: مدلی با استفاده از شبکه عصبی مصنوعی، *فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۱۸(۶۴)، ۱۲۹-۱۵۰.

مجتهدزاده، ویدا؛ و اثنی‌عشری، حمیده (۱۳۹۱). رابطه خصوصی‌سازی، سازوکارهای نظام راهبری شرکتی و اصلاح قوانین و مقررات با هزینه‌های نمایندگی در بنگاه‌های سابقاً دولتی. *فصلنامه پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۲(۵)، ۱-۲۰

مجموعه مقالات و سخنرانی‌های همایش راهبری شرکتی (۱۳۸۷). شرکت بورس اوراق بهادار تهران (سهامی عام)، مدیریت آموزش.

نمازی، محمد؛ و ابراهیمی، شهلا (۱۳۹۲). بررسی تأثیر ساختار مالکیت و ترکیب هیأت مدیره بر کارآیی فنی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *فصلنامه دانش حسابداری*، ۴(۱۲)، ۳۵-۵۷.

مران‌جوری، مهدی؛ و علی‌خانی، راضیه (۱۳۹۳). افشای مسئولیت‌های اجتماعی و راهبری شرکتی. *فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۳(۲۱)، ۳۲۹-۳۴۸.

Arshad, R., & Razak, S. N. A. A. (2011). Corporate Social Responsibility Disclosure and Interaction Effects of Ownership Structure on Firm Performance. In *2011 IEEE Symposium on Business, Engineering and Industrial Applications (ISBEIA)* 111-116.

Black, B. S., Jang, H., & Kim, W. (2006). Does Corporate Governance Predict Firms' Market Values? Evidence from Korea. *The Journal of Law, Economics, and Organization*, *22*(2), 366-413.

Bhaduri, S. N., & Selarka, E. (2016). *Corporate Governance and Corporate Docial Responsibility of Indian Companies*. Singapore: Springer.

Born, H., & Leigh, I. D. (2005). *Making Intelligence Accountable: Legal Standards and Best Practice for Oversight of Intelligence Agencies*. Publishing House of the Parliament of Norway.

Caratas, M. A., & Spatariu, E. C. (2014). Contemporary Approaches in Internal Audit. *Procedia Economics and Finance*, *15*, 530-537.

Dawkins, J., & Lewis, S. (2003). CSR in stakeholde Expectations: And their Implication for Company Strategy. *Journal of Business Ethics*, *44*(2), 185-193.

Donaldson, L. J. (1998). Clinical Governance: a Satutory Duty for Quality Improvement. *Journal of Epidemiology and Community Health*, *52*(2), 73.

Drobetz, W., Schillhofer, A., & Zimmermann, H. (2004). Corporate Governance and Expected Stock Returns: Evidence from Germany. *European Financial Management*, *10*(2), 267-293.

Gompers, P., Ishii, J., & Metrick, A. (2003). Corporate Governance and Equity Prices. *The Quarterly Journal of Economics*, *118*(1), 107-156.

Huang, C. J. (2010). Corporate Governance, Corporate Social Responsibility and Corporate Performance. *Journal of Management & Organization*, *16*(5), 641-655.

Iqbal, Z., & Mirakhor, A. (2004). Stakeholders Model of Governance in Islamic Economic System. *Islamic Economic Studies*, *11*(2).

Iqbal, M., & Molyneux, P. (2016). *Thirty Years of Islamic Banking: History, Performance and Prospects*. Springer.

Islamic & Mainstream Approaches. London: Asean Academic Press.

Kapoor, S., & Sandhu, H. S. (2010). Does it Pay to be Socially Responsible? An Empirical Examination of Impact of Corporate Social Responsibility on Financial Performance. *Global Business Review*, *11*(2), 185-208.

Khan, H. U. Z. (2010). The Effect of Corporate Governance Elements on Corporate Social Responsibility (CSR) Reporting: Empirical Evidence from Private Commercial Banks of Bangladesh. *International Journal of Law and Management*, *52*(2), 82-109.

Khanaghah, J. B., Sadeghi, H. A., & Ghadakforoushan, M. (2019). Investigating the Interactive Effect of Corporate Governance and Corporate Social Responsibility on the Firm Value in the Tehran Stock Exchange. *Iranian Journal of Management Studies*, *12*(3).

Llewellyn, D. T. (2001). A Regulatory Regime and the New Basel Capital Accord. *Journal of Financial Regulation and Compliance*.

Maignan, I., & Ferrell, O. C. (2004). Corporate Social Responsibility and Marketing: An Integrative Framework. *Journal of the Academy of Marketing Science*, *32*(1), 3-19.

Mohammed, S. A. S. A. N., & Muhammed, J. (2017). The Relationship between Agency Theory, Stakeholder Theory and Shariah Supervisory Board in Islamic Banking: An Attempt Towards Discussion. *Humanomics*.

OECD, O. (2004). The OECD Principles of Corporate Governance. *Contaduría y Administración*.

Oh, W. Y., Chang, Y. K., & Martynov, A. (2011). The Effect of Ownership Structure on Corporate Social Responsibility: Empirical Evidence from Korea. *Journal of business ethics*, *104*(2), 283-297.

Razek, M. A. (2014). The Association Between Corporate Social Responsibility Disclosure and Corporate Governance: a Survey of Egypt. *Research Journal of Finance and Accounting*, *5*(1), 93-98.

Shleifer, A., & Vishny, R. W. (1996). A Survey of Corporate Governance.– NationalBureau of Economic Research. *NBER Working Paper*, *5554*.

Tirole, J. (1999). Incomplete Contracts: Where do we Stand?. *Econometrica*, *67*(4), 741-781.